

دست حاکمیت در تعرض به نان مردم کوتاه!

فواد عبداللہی



سیاست واگذاری تصمیم افزایش نرخ نان از طرف دولت به استانداری‌ها و حذف بی‌سر و صدای سوبسید نان و آرد که از شش ماه قبل صورت گرفته اکنون با اعلام رسمی آن از جانب دولت، مجوز تعرض بیشتر به سفره طبقه کارگر و محرومان جامعه صادر شده است. حالا نوبت «نان» است که از سفره مردم حذف شود. معاون استاندار و فرماندار تهران با وقاحت تمام اعلام کرده که: «نان گران نشده است؛ از مردم بپرسید!»

جمهوری اسلامی زور می‌زند که تامین بخشی از هزینه‌های دولت و کل دستگاه استبداد و جنایتش را، از جمله هزینه نیروهای مسلح، هزینه ارگان‌های سرکوب و کل دستگاه حاکمه، هزینه نهادهای مذهبی، جاسوسی و اطلاعاتی، بیت رهبری و همه کاسه‌لیسان و مزدوران خود را با افزایش قیمت نان و نیازمندی‌های اساسی مردم و در پی آن افزایش کل هزینه زندگی محرومان جامعه، روی دوش طبقه کارگر و اقشار پایین بندازد. این در شرایطی است که فقر، گرانی، بیکاری، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، هم اکنون بیش از هر زمان زندگی ده‌ها میلیون خانواده کارگری، معلم، بازنشسته، اقشار محروم و کم درآمد جامعه را با مخاطرات جدی مواجه کرده است. روزنامه اعتماد در آخرین شماره خود برآورد کرده است که با حداقل دستمزد ماهانه یک کارگر که ۸ میلیون و ۲۰۸ هزار تومان است، یعنی تقریباً روزی ۲۷۵ هزار تومان، یک خانوار کارگری می‌تواند از میان اقلام غذایی روزانه فقط یک قلم خوراکی بخرد. سه کیلوگرم مرغ یا یک کیلو ماهی، نیم کیلو گوشت قرمز یا سه کیلو برنج، یک عدد پیتزا یا دو عدد همبرگر!!

این اوضاع را ضربدر تورم افسارگسیخته ۶۷ درصدی کنید تا مخارج اجاره‌خانه، فیش پرداختی برق، آب و گاز و هزینه خدمات درمانی و مخارج فرزندان طبقه کارگر تکمیل شود. مردم را رسماً به بازار «آزاد» - بخوان گورستان - حواله داده‌اند.

جمهوری اسلامی فراموش کرده که امروز ورق برگشته است. دهه انفجار عظیم اجتماعی دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱، سال‌های اعتصابات چند ماهه مراکز صنعتی هفت تپه و فولاد و پتروشیمی‌ها در جنوب و امروز روزهای تداوم و تعمیق خیزش سراسری مردم ایران علیه این حاکمیت است. این‌ها شمشیر را از رو بسته تا به خیال خود جامعه را با احکام سنگین و دستگیری‌های وسیع و تعرض به معیشت طبقه کارگر و معلمان و بازنشستگان و زنان مرعوب کنند. اما فشار اعتراضات عظیم طبقاتی و اجتماعی و خشم گرسنگانی که تاکنون تنها جرقه‌هایش را زده، در پیچ بعدی افسار این حاکمیت را می‌کشد. ص ۲

طبقه کارگر و حکم شلاق کارگران فولاد

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز چهارشنبه ۵ مهرماه ۱۴۰۲ (۲۷ سپتامبر ۲۰۲۳) دادگاه انقلاب اهواز ۱۷ کارگر فولاد اهواز را به جرم اعتراضات کارگران این مرکز در سال ۱۴۰۱ محکوم به ۷۴ ضربه شلاق، جریمه نقدی و بعلاوه حبس تعزیری کرده است. این احکام بر اساس شکایت بخش خصوصی شرکت «صنعتی و بازرگانی شفق راهیان اکسین» و همچنین حراست گروه ملی فولاد توسط دادگاه صادر شده است. بر این اساس ۱۷ کارگر این مرکز، به نامهای ۱- مهدی ولی پور ۲- خالد شریفی ۳- رعید عبیدادی ۴- طارق خلفی ۵- سید رسول حراگ ۶- نادر حردانی ۷- علی نادری ۸- مهدی نگرای ۹- مسعود حیدری ۱۰- عبدالحسین حمیدی پور ۱۱- مصطفی عبیاتی ۱۲- عبدالکریم سیاحی ۱۳- کاظم حیدری ۱۴ - علی الهی فر ۱۵- هادی وائلی زاده ۱۶- حسن جاوید حمودی ۱۷ -غریب حویزوی، به اتهام «اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال» در جریان اعتصابات کارگری سال ۱۴۰۱ در این مرکز، هر کدام محکوم به پرداخت دو میلیون و پانصد هزار تومان جریمه نقدی بدل و سه ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق شده‌اند. حکمی که قرار است از طبقه کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار و ... که با اعتراض و اعتصاب خود خواب را بر چشم حاکمان حرام کرده‌اند، زهر چشم بگیرد. اما در بند این احکام هراس حاکمیت از اتحاد کارگران، از هوشیاری و اعتراض آنها به دزدی و چپاول دسترنج خود، از آمادگی کارگران و مردم محروم برای جدال نهایی، را میتوان دید!

صادر کنندگان جیون این احکام در هراس از عکس العمل کارگران فولاد، بلافاصله برای لغو حکم خود کلاه شرعی پیدا کرده و فعلاً اجرای حکم شلاق را، بدلیل «فقدان سابقه محکومیت» به مدت سه سال تعلیق کرده‌اند. ... صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری

منصور حکمت



* بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی که گریبان بورژوازی ایران را گرفته است نشانی از فروکش کردن ندارد.
* بساط سلطنت با انقلاب هر چند ناکام ۵۷ در هم پیچیده شد.
* امروز جمهوری اسلامی نیز به همان عاقبت نزدیک میشود... صفحه ۳



پیکت همبستگی با کارگران اعتصابی جنرال متورز در آمریکا

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

حاکمیت با چنین احکامی، با «تعرض نرم» در اصل زور، قدرت و شانس خود را برای تعرض به ما و قدرت و اتحاد ما برای پس زدن این تعرض آزمایش میکند. اسیر کردن رفقایمان در بندها، جواب سربالا دادن به مطالبات مان، دستگیری، زندانی، اخراج و بازخرید به زور نمایندگان معلمان، اخراج اساتید معترض از دانشگاهها، قمه چرخانی در دانشگاه و مراکز کارگری، تهدید انقلابیون و زنان برابری طلب، و بالاخره صدور احکام قرون وسطایی و معلق کردن آنها، همه و همه آزمون سنجش قدرت نداشته شان است. اینها گوشه هایی از تلاش مذبحخانه حاکمیت و بورژوازی ایران است، که صدای برابری خواهی ما را شنیده اند. وحشت سراپای حاکمیت و سرمایه دارانی که بوی حق طلبی و خطر سرنگونی را با پرچم آزادی و برابری به رهبری طبقه کارگر به مشام شان رسیده، را فرا گرفته است. این ترس را باید به واقعیت تبدیل کرد! در دفاع از ۱۷ کارگر فولاد و علیه احکام ضد کارگری آنها و برای ناکام کردن آرزوهای شومشان همه جا باید علیه این احکام، اعتراض کرد. جامعه ایران، مردم آزادخواه باید صدای اعتراض ما را بشنوند و ناکامی و افسار کردن روسای فولاد و دادگاه اهوازشان را ببینند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ۶ مهر ۱۴۰۲-۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳

تلاش میکنند هراس خود را پشت «الطاف» همراه با تهدید مخفی کنند و شرط عدم اجرای شلاق را تضمین سکوت کارگران و سر فرود آوردن در مقابل کارفرمایان فولاد کرده اند. میدانند این شیادی و حيله نفرت انگیز برای ساکت کردن کارگران در مقابل توحش و بربریت حاکم، بازی با آتش است.

رفقای کارگر!

جواب به این توحش، افسار کردن و ایست دادن به متعرضین، وظیفه همه کارگران و همه مزدبگیران جامعه است. دادگاه اهواز و حکم دهندگان آن، کارفرمایان گروه ملی فولاد، مسئولین حراست و روسای جمهوری اسلامی، را باید از کرده شنیع خود پشیمان کرد. به آنها باید فهماند که دوره عربده کشی آنها و به بند کشیدن و در بند کردن طبقه کارگر پایان یافته است. به آنها باید یاد داد که قبل از چنین احکامی به موقعیت لرزان خود نگاه کنند و پا را از گلیم خود درازتر نکنند. این احکام و جسارت اعلام آن، ذهن کجی بزرگی به طبقه کارگر و کل بشریت در این جامعه است.

زمینه ای است برای گسترده تر شدن اعتصابات و اعتراضات خفته بیشتر قشرهای بیشمار کارگران در آمریکا برای بهبود شرایط کار و معیشت خود.

هدف پیکت نه تنها اعلام پشتیبانی بلکه تلاشی برای جذب افکار شهروندان سوئدی به چرایی این اعتصابات بزرگ و آگاهی رسانی نیز بود. در ابتدای تجمع رفیق سالار کرداری اعلامیه حزب در حمایت از کارگران را قرائت نمود و سپس کریستوفر لوندبری، از حزب چپ سوئد، ضمن تشریح شرایط سخت کارگران کارخانه های ماشین سازی وضعیت طبقه کارگر در آمریکا را مورد بررسی قرار داد و پشتیبانی حزب متبوعش (حزب چپ سوئد) را از این اعتصابات اعلام کرد. تعدادی از رفقا همراه با پلاکاردهای در دست در این پیکت پشتیبانی خود را با کارگران اعتصابی اعلام داشته و در همبستگی طبقاتی خود با کارگران شعار سر دادند. در این پیکت اطلاعیه حزب در مورد این اعتصابات بزبان انگلیسی بین مردم پخش شد.

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۴ سپتامبر ۲۰۲۳

پیکت همبستگی با کارگران اعتصابی جنرال متورز در آمریکا

روز یکشنبه ۲۴ سپتامبر حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد سوئد در همبستگی و پشتیبانی از اعتصاب کارگران جنرال متورز آمریکا، در میدان یرن توریت در مرکز شهر گوتنبرگ تجمعی برگزار کردند.

اعتصابات که در حال حاضر در سه کارخانه مونتاژ ماشین جنرال متورز در شهر ونتزویل در ایالت میسوری، کارخانه فورد در شهر وین نزدیک دیترویت در ایالت میشیگان، و کارخانه جیب در شهر تولدو در ایالت اوهایو، در جریان است

دست حاکمیت در تعرض به ...

طبقه کارگری که هم اکنون صاحب رهبران و پیشروان خود است و عملا سکان اقتصاد، تولید و خدمات در آن جامعه را در اختیار دارد، می تواند پوزه این حاکمیت را به خاک مالند و قدرت را برای اداره کردن شورایی جامعه به دست بگیرد. تصور این که این طبقه با جایگاه کلیدی که در اقتصاد و تولید در جامعه ایران احراز کرده، یک «نه» محکم به دست درازی حاکمیت به معیشت و گذران میلیون ها شهروند بدهد و نیروی عظیم چند ده میلیونی زیر خط فقر و فقر مطلق را متحد کند و پشت خود آورد، دور از انتظار نیست. هدایت طبقه کارگر به سمت یک تغییر بنیادی و اساسی در جامعه ایران از عهده کارگران کمونیست و رهبران سوسیالیست این طبقه برمیآید. هماهنگی و سازمانیابی بین بخش های مختلف طبقه، با طرح مطالبات سراسری و متشکل شدن در مجامع عمومی حول معیشت، سنگ بنای اتحاد در صفوف این طبقه برای نبردهای آتی است. تنها با نشان دادن این سنبه پُر زور اتحاد در مجامع عمومی برای سازمان دادن یک جنبش سراسری طبقه توسط کارگران کمونیست، می توان هر تعرض حاکمیت به معیشت و رفاه شهروندان جامعه را پس زد.

ما با یک جامعه در حال انفجار، آنهم انفجارهای مداوم و انقلابی طرفیم؛ آشفتگی و سراسیمگی حاکمیت نیازی به گفتن ندارد. این ها صدای کارگر معترض و رادیکال را مدت ها است که شنیده اند؛ لغو عملی حجاب اجباری و آپارتاید جنسی را دیده اند؛ خشم جوانان و گرسنگان دیمه ۹۶، آبان ۹۸ و شهریور پارسال را تجربه کرده اند؛ همسرنوشتی مبارزاتی و همبستگی طبقاتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و زنان را هر روز می بینند و خواب راحت ندارد. شعار رفاه و آزادی و تصمیم توده های کارگر و زحمتکش برای دخالت مستقیم در زندگی و اداره امور جامعه از طریق مجامع عمومی و شوراهای کارگری و مردمی را شنیده اند. در این جدال و کشمکش طبقاتی و اجتماعی، دست درازی بیشتر به معیشت و جیب خالی مردم محروم نه تنها کسی را مرعوب نمی کند بلکه بازی با آتش است و با تعرض متقابل طبقه کارگر جواب درخور می گیرد. به قول کارگران هفت تپه «روزی فرا خواهد رسید که با اتحاد و همبستگی، زمین زیر پای صاحبان زر و زور و مدافعان آنان را داغ خواهیم کرد!»

امروز جامعه ایران بعد از خیزش سراسری پارسال، توازن قوای جدیدی را ترسیم می کند. از طرفی حاکمیتی را نشان می دهد که حقانیت اداره سیاسی جامعه و گرداندگی اقتصاد و معیشت مردم را ندارد. شمشیر ارعاب و سرکوبش زنگ زده و بی خاصیت شده است. حاکمیتی که قدرت حکومت و سرکوب کردن را از دست داده است و از طرف دیگر جامعه ای رادیکال و انقلابی با طبقه کارگر بالنده و متحد پا به میدان گذاشته است و همبستگی شجاعانه معلمان و بازنشستگان و جنبش برابری زن را با خود دارد.

طبقه ما همین امروز معیشت و رفاه و امنیت و آزادی، را می خواهد. قطار پیشروی راه افتاده است و پرچم جامعه آزاد و برابر با اداره شورایی و اقتصاد سوسیالیستی به اهتزاز درآمده است. راه پیروزی رفاه بر فقر، خوشبختی بر محرومیت، آزادی بر استبداد، برابری بر تبعیض، سوسیالیسم بر کاپیتالیسم، کمونیسم بر توحش گسیخته نظام بردگی، فرهنگ و وجدان طبقاتی کارگر و انسان آزاده بر توحش افسار گسیخته نظام فاسد و گنبدیده سرمایه و سود و مذهب. این جنبشی است که اتحاد رهبران کمونیست و متحزبش تنها ضامن پیروزی و پیشروی آن است. می توان و باید حق جامعه، ثروت جامعه و تولید حاصل از کار طبقه کارگر را از حلقوم مفت خوران ستمگر و جنایتکار بیرون کشید و جامعه ای را سازمان داد که تولید نه برای سود اقلیت طبقه سرمایه دار بلکه برای رفاه و خوشبختی اکثریت مردم است. جامعه ای که شعار «آزادی، برابری، حکومت کارگری» را در عمل متحقق می سازد.

کارگران کمونیست!
حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل حزبی
شما است.

حزب را از آن خود کنید!

کارگر متشکل بعنوان قدرت و طبقه رهایی‌بخش حاکم. حکومت کارگری یعنی حکومت سرکوب مقاومت استعمارگران در برابر رهایی بشریت تحت ستم. حکومت کارگری یعنی دیکتاتوری پرولتاریا علیه مدافعان فقر و فلاکت و استعمار و جهل و خرافه. حکومت کارگری یعنی دمکراسی برای کارگران و زحمتکشان و استعمار شونده‌گان و سرکوب برای استعمارگران. حکومت کارگری یعنی ضمانت اجرایی واقعی آزادی و برابری.

پاسخ بورژوازی به این شعار پرولتاریا کاملاً روشن است. بورژوازی در برابر این شعار در سراسر جهان تنها یک پاسخ دارد و آن سرکوب، قهر و ارتجاع عریان ضد پرولتری است. جمهوری اسلامی خود تنها جزئی از این پاسخ و یک نمونه زنده آن است. اما لیبرال-چپ‌ها و خرده-بورژوا فرمیست‌هایی که خود را به انقلاب و یا حتی سوسیالیسم می‌چسبانند نیز هر قدر از اوضاع موجود ناراضی باشند و بر سر اوضاع و "آلترناتیو" مطلوب میان خود اختلاف داشته باشند، پاسخ کمپایش یکسانی را در مقابل ما قرار می‌دهند. مجموعه‌ای از تهدیدات، تحریفات و غرولندها خطاب به کارگران کمونیست پرتاب می‌شود: "حکومت کارگری؟! این یک توهم است. مگر ارتش آمریکا را نمی‌بینید، مگر قدرت مذهب را نمی‌بینید؟ مگر عقب‌ماندگی فرهنگی جامعه را نمی‌بینید؟ مگر نمی‌بینید که بخش اعظم مردم مذهبی اند، روستایی اند، غیر پرولتر اند؟ صنعت ما برای جامعه سوسیالیستی شما به اندازه کافی رشد نکرده است. آخر کارگران کم‌سواد و بی‌اطلاع شما چگونه قرار است جامعه مدرن امروز را اداره کنند؟ با کدام نیرو می‌خواهید حکومت کارگری را برقرار کنید؟ کدام کارگر، کدام طبقه کارگر متحد، کدام حزب طبقاتی، کدام نیروی متشکل برای تحقق این شعار وجود دارد؟ مگر شعارهای امروز مردم را نمی‌بینید؟ کسی در ایران زیر بار حکومت کارگری نخواهد رفت. زود است، غیر ممکن است، عملی نیست، توهم است."

بخش اعظم این نوحه‌خوانی‌ها را اراجیف و چرندیاتی تشکیل می‌دهد که آگاهانه جعل شده‌اند و بخش دیگر نیز بیان فرصت‌طلبانه و ریاکارانه واقعیتی است که بطور عینی سد راه حکومت کارگری و تحقق برنامه کمونیستی است. این واقعیات برای ما مانعی است که باید برچیده شود و برای بورژوازی و خرده بورژوازی سنگر‌هایی است که باید در برابر پرولتاریای انقلابی حفظ گردد. اساسی‌ترین مانع تحقق فوری شعار ما، کمبود آگاهی طبقاتی، تفرقه و ضعف سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر ایران است. آری، اگر کارگران ایران متحد بودند، به منافع طبقاتی خود واقف بودند، در حزب سیاسی انقلابی خود، حزب کمونیست ایران، گرد آمده بودند، آنگاه استقرار حکومت کارگری کار یک روز بود. ما برای نزدیک‌تر کردن آن "روز" مبارزه می‌کنیم و این شعار خود یک ابزار مهم ما در این مبارزه است. این شعار امروز آگاه و بسیج و متشکل می‌کند و فردا عملی می‌شود و به حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه خاتمه می‌دهد.

تحقق این شعار، یعنی تحقق بخش حداکثر برنامه حزب کمونیست ایران، مستلزم بوجود آوردن درجه بالایی از آگاهی و تشکل در میان طبقه کارگر ایران است. آگاهی و تشکلی که در انزوا از جامعه و در ماوراء جامعه به دست نمی‌آید، بلکه باید در دل همین مبارزات جاری و خیزش‌های پی در پی انقلابی و از طریق کار پیگیر کمونیست‌ها به دست آید. طبقه کارگر باید از هر دوره و عرصه مبارزه طبقاتی و انقلابی آگاه‌تر، و متشکل‌تر و با پیوندی عمیق‌تر با حزب خود، حزب کمونیست، به جلو گام بردارد. شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" قطب‌های حرکت پیوسته ما از دل نبردهای متعدد و عرصه‌های متنوع مبارزه است.

اگر هم‌اکنون نیروی کارگران آگاه و متشکل فوراً و بلافاصله برای تصرف قدرت سیاسی و استقرار حکومتی که قادر به در هم کوبیدن مقاومت کلیه دشمنان پرولتاریا و سوسیالیسم باشد، کافی نیست، انرژی و مطالبات انقلابی در توده وسیع کارگران و زحمتکشان و اقشار تحت ستم جامعه برای آنکه پرولتاریای کمونیست مبارزات جاری را از زیر دست و بال بورژوازی و خرده بورژوازی بیرون بکشد و با رهبری خود آن را به عمیق‌ترین نتایج ممکن سوق دهد، وجود دارد. این امکان بطور عینی و واقعی وجود دارد که مبارزات و اعتراضات موجود به جنبشی عظیم برای دمکراسی انقلابی تبدیل شود. حاکمیت دمکراتیک انقلابی‌ای که بار بحران اقتصادی نظام موجود را بر سر بورژوازی خراب می‌کند و آنچنان دمکراسی وسیع و گسترده‌ای را برقرار می‌سازد که بر داشتن گام بعدی به انقلاب سوسیالیستی و استقرار حکومت کارگری را به مراتب ساده‌تر می‌سازد. دمکراسی انقلابی‌ای که در عین پاسخگویی به عاجل‌ترین نیازهای توده‌های وسیع تحت ستم و استعمار، بهترین شرایط ممکن برای بسیج و تشکل طبقاتی عظیم کارگران برای دستیابی قطعی به قدرت سیاسی را به وجود می‌آورد. ما در پرتو شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" برای ایجاد چنین شرایطی و برقراری چنین حاکمیت دمکراتیک انقلابی‌ای در سطح جامعه نیز مبارزه می‌کنیم.

نه آریایی‌گری آمریکایی شاه و نه خرافات اسلامی و قیل و قال پان‌اسلامیستی خمینی و شرکاء و نه نسل‌کشی و جنایات غیرقابل توصیف هر دو رژیم علیه بشریت و آزادی، هیچ‌یک پاسخ این بحران نبود و نمی‌توانست باشد. زیرا "مسأله" و "بحران"، در نفس وجود اجتماعی بورژوازی و حاکمیت اقتصادی و سیاسی سرمایه نهفته است. انقلاب ۵۷ تنها علیه سلطنت نبود، همچنانکه خیزش انقلابی عظیم آتی نیز تنها برچیدن جمهوری اسلامی را در دستور نخواهد داشت. انقلاب ۵۷ استثناء نبود، بلکه نخستین جلوه قاعده‌ای بود که از این پس، تا در هم کوبیده شدن قطعی حکومت سرمایه و نظام سرمایه‌داری در ایران، تاریخ ایران را شکل خواهد داد. بحران اقتصادی و بحران‌های سیاسی و حکومتی دائمی، حرکت‌های اعتراضی گسترده که تنها با دوره‌های کمپایش کوتاه عقب‌نشینی و رکود نسبی از یکدیگر جدا می‌شوند، خیزش‌های انقلابی با فواصل کم و کمتر، گشوده شدن و باز هم گشوده شدن مسأله قدرت سیاسی در سطح جامعه و در جریان همه اینها، قدرت‌گیری روزافزون پرولتاریا و پیشروان کمونیست او، این آن دوره‌های واقعی است که بورژوازی در ایران بطور عینی با آن روبروست صرف‌نظر از اینکه این یا آن دار و دسته دولتی رسمی‌اش بتواند چند روز، چند ماه و یا احياناً چند سال تعادل خود را در رأس ماشین دولتی حفظ کند.

در چنین شرایطی، و با چنین کابوسی، اینک دیگر تمام اقشار بورژوازی به تکان و تکاپو افتاده‌اند. تابلوهای نجات میهن سرمایه یکی پس از دیگری بالا رفته‌اند و از فرط کثرت دیگر حتی بخاطر سپردن و شمردن همه آنها نیز میسر نیست. "جمهوری اسلامی با خمینی، بدون لاجوردی"، "جمهوری اسلامی با رجوی دمکراتیک"، "جمهوری سوسیال دمکراتیک اسلامی"، "ناسیونالیسم اسلامی"، "ناسیونالیسم غیر اسلامی"، "ناسیونالیسم آریایی"، "ناسیونالیسم آمریکایی"، "سلطنت خوان کارلوسی"، "سلطنت آریامه‌ری"، "حکومت ژنرالی"، "جمهوری پارلمانی"، یا "اصلاً اشغال نظامی توسط آمریکا"، "بالآخره باید یکی از اینها را قبل از اینکه آوار جمهوری اسلامی روی سر همه خراب شود برقرار کرد". این رویای آشفته بورژوازی است. اینها عناوینی است که همه به یک اوضاع واحد رجوع می‌کنند، ختم انقلاب و هر نوع حرکت انقلابی و حفظ، دوام و بقاء توحش بورژوازی در ایران.

در مقابل همه این تکاپوها و توطئه‌ها برای خواباندن صدای انقلاب و قیچی کردن روند انقلابات و بحران‌های انقلابی پی در پی، کارگران انقلابی ایران یک شعار را مطرح می‌کنند، شعاری که گویای حضور پیگیر طبقه کارگر ایران در تمام سیر پر تحول و پرفراز و فرود و خیز جاری و آتی تا تحقق اهداف نهایی است.

شعاری که انگیزه و نیروی محرکه حرکت رو به جلوی مبارزه طبقاتی و انقلابی در ایران را در یک عبارت کوتاه بیان می‌کند: "آزادی، برابری، حکومت کارگری" این شعار کارگران انقلابی است. این شعاری است که تمام حرکت‌های انقلابی در ایران معاصر، از انقلاب ۵۷ تا پیروزی نهایی را به هم مرتبط می‌کند.

"آزادی" یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه‌داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهاد‌های اسارت‌آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بیحقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش‌های خرافه‌آمیز و عقب‌مانده جامعه موجود، رهایی از ستم‌های مذهبی، قدسی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی.

"برابری"، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعداد‌های فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود. برابری در بهره‌مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فایده‌آوردن بر هر عقب‌ماندگی و کمبود. برابری‌ای که تنها با درهم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسان‌های سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل می‌شود.

"حکومت کارگری"، یعنی حکومت طبقاتی کارگران، حکومت استعمارشدگان و تولیدکنندگان کل ثروت جامعه بر علیه استعمارگران، حکومت بردگان مزدی امروز و ناجیان فردای جامعه، حکومت کسانی که جامعه، نفس موجودیت و ثروت آن، بر کار و تلاش مدام آنها بنا شده است، حکومت کارگری یعنی طبقه

اسلامی و بورژوا-سلطنتی است که اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی سودای تحمیل آن را به توده مردم ایران دارد. جمهوری انقلابی و دموکراسی انقلابی وسیعی که این جمهوری متضمن آن است در عین حال افشاگر دموکراسیسم دروغین و لیبرالیسم و رفرمیسم حقیر این اپوزیسیون نیز هست. ما شعار "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به موازات شعار "سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک انقلابی" از هم اکنون تبلیغ میکنیم. ما از هم اکنون دست اندر کار بسیج و تشکل نیروهای انقلاب بی چون و چرای پرولتری هستیم. ما اعلام میکنیم که جمهوری دموکراتیک انقلابی، با تمام پیشروها و دستاوردهای دموکراتیک خود، و با تمام نقشی که در مبارزه برای رهایی دارد، پایان کار نیست و مبارزه طبقه کارگر و حزب کمونیست ایران برای رهایی قطعی تا برقراری حکومت کارگری و سوسیالیسم بیوقفه ادامه خواهد یافت. خرده بورژوا-رفرمیستهای مدعی "مارکسیسم" خرده میگیرند که جمهوری انقلابی ما، با نظام شورایی و تسلیح عمومی و با برنامه گسترده عملی، چیزی جز همان حکومت کارگری تحت نام دیگری نیست. ما اذعان میکنیم که این جمهوری بسیار فراتر از هر توقع و تصور بورژوا-دموکراتیک" چنین کسانی است. ما اذعان میکنیم که همین جمهوری پراتب از "سوسیالیسم" روسی و چینی و بلغارستانی و آلبانیایی اینان (که چیزی جز سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم نیست) به سوسیالیسم "نزدیکتر" است. زیرا یک ابزار انقلابی پیشروی پرولتاریا است. اما در همان حال به هیچ کس، و بویژه به هیچیک از تحریف کنندگان سوسیالیسم اجازه نخواهیم داد تا افق کارگران را از سوسیالیسم واقعی و حکومت کارگری این چنین کاهش دهند. حکومت کارگری که این جمهوری تنها زمینه ساز آن و شرایط مساعدی برای گردآوری قوای آن خواهد بود، حکومتی است که جدال اساسی طبقه کارگر را برای لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و جایگزینی تولید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بجای نظام استثمارگر سرمایه داری در کلیه وجوه آن و در برابر کلیه مخالفان آن به پیش خواهد برد. حکومت کارگری، حکومت کارگران برای برقراری سوسیالیسم است. حکومت کارگری حکومتی برای تضمین رهایی قطعی است. جمهوری دموکراتیک انقلابی تنها یک گام، باشد که گامی بسیار مهم، در این جهت خواهد بود.

منصور حکمت

۲۸ آبان ۱۳۶۳

کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران شماره ۱۴، ۳۰ آبان ۱۳۶۳

کارگران کمونیست آماده اند تا بر مبنای یک پلاتفرم انقلابی و دموکراتیک، یعنی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، در رأس و با شرکت کلیه اقشار تحت ستم و استثمار و کلیه نیروهای اجتماعی که خواهان تحول عمیق دموکراتیک در جامعه موجود هستند، یک "جمهوری دموکراتیک انقلابی" تشکیل دهند. کارگران کمونیست، از هم اکنون در بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران، برای گردآوری قوا و تشکل کل نیروهای دموکراسی انقلابی، در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک جمهوری دموکراتیک انقلابی فراخوان داده اند.

جمهوری دموکراتیک انقلابی شعار تاکتیکی حزب کمونیست ایران در شرایط کنونی است. این جمهوری به مطالبات دموکراتیک توده های تحت ستم و استثمار جامعه، کارگران، زحمتکشان تهیدست در شهر و روستا، زنان، خلقهای تحت ستم و کلیه انسانهای شریفی که خواهان دموکراسی وسیع سیاسی هستند، به خواسته های تمام کسانی که از بی حقوقی سیاسی، اختناق، ارتجاع مذهبی و کل قوانین ارتجاعی که بر محیط کار و زیست مردم جامعه حکمفرماست به تنگ آمده اند، جامه عمل می پوشاند. اداره کشور به شوراهای واقعی خود مردم سپرده میشود، بوروکراسی ممتاز و مافوق مردم برچیده میشود و دموکراسی مستقیم برقرار میگردد، تسلیح عمومی مردم ضامن اجرایی دفاع از دستاوردهای انقلاب قرار میگیرد. در این جمهوری حق تعیین سرنوشت ملل ساکن ایران تضمین خواهد شد، قانون کار دموکراتیک پرولتاریای انقلابی فوراً به مورد اجرا در خواهد آمد. دستگاه قضایی بورژوازی برچیده میشود و دادگاههای مردم با قضاوت و هیئت منصفه انتخابی جانشین آن خواهد شد. بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی در سطح وسیع معمول خواهد شد. برابری زن و مرد در کلیه حقوق قانونی و صنفی اعلام خواهد گشت.

بهداشت، آموزش و مسکن مناسب حق سلبناپذیر هر شهروند اعلام خواهد شد و کلیه امکانات لازم برای تحقق عملی این حقوق در اختیار شوراهای مردم قرار خواهد گرفت. در یک جمله، جمهوری دموکراتیک انقلابی بخش حداقل برنامه حزب کمونیست ایران را عملی خواهد کرد.

جمهوری دموکراتیک انقلابی پاسخ فوری حزب کمونیست و پرولتاریای انقلابی در برابر جمهوری اسلامی و کلیه طرح و نقشه های "آلترناتیو"ی است که امروز اپوزیسیون بورژوازی و خرده بورژوازی تبلیغ میکنند. نیروی واقعی اجتماعی برای تحقق این اهداف فوری با سرنگونی جمهوری اسلامی هم اکنون بالقوه موجود است. نیرویی پراتب عظیم تر از توان مدافعان هر یک از "راه حل"های بورژوا-

پرچم رهایی زن، پرچم آینده ای فارغ از تبعیض و نابرابری،
پرچم «ما به قدرت خود می توانیم»، در دست جنبش برابری طلبی
زنان در ایران است. جنبشی که رهایی و آزادی زن در ایران را به
سکویی برای رهایی زن در سراسر جهان تبدیل خواهد کرد.

این جنبش مردمی است که برای اولین بار در تاریخ جهان، بنام حق زن، بنام آزادی و برابری، پایه های یک حکومت ضدزن، ضدبشری و استثمارگر را نه تنها به لرزه درآورده است، که آن را به لبه پرتگاه سقوط کشانده است.

سایت مجموعه آثار منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net>

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena